خبر

اتمام حجت رئیس دادگستری گلستان با شرکت های بیمه که خوش حساب نیستند

رییس دادگستری کل گلستان از شرکت های بیمه خواست که هر چه زودتر دیه تصادفات را به حساب خسارت دیدگان واریز کنند تا از سرگردانی مردم و طولانی شدن فرایند پرداخت جلوگیری شود. به گزارش ایرنا از دادگستری گلستان هادی هاشمیان اظهار کرد: با وجود تذکرهای چند باره، هنوز شرکت های بیمه، دیه تصادفات را به جای پرداخت در طول سال و به حساب مردم، به حساب دادگستری واریز می کنند که این اقدام علاوه بر زیاد کردن کار دادگستری ها، سبب طولانی شدن فرآیند پرداخت دیه به خسارت دیدگان و تضییع حقوق مردم می شود. وی اضافه کرد: از این پس حسابی که بیمه ها دیه را به آن واریز می کردند مسدود شده و باید شرکت های بیمه بر اساس دستور قاضی، مبلغ دیه را هر چه زودتر به شماره حسابی که خسارت دیدگان به دادگاه ارائه داده اند، واریز کنند. رییس دادگستری کل گلستان گفت: بیمه ها به بهانه اینکه پرداخت دیه به حساب افراد، امکان درخواست دوباره مبنی بر دریافت نکردن دیه را در آینده فراهم می کند از پرداخت دیه سرباز می زنند درحالی که این بهانه با توجه به واریز دیه بر اساس حکم قاضی، دیگر مبنای قانونی ندارد. وی تاکید کرد: بیمه ها به جای اینکه منتظر فرارسیدن اسفند و پرداخت دیه خسارت دیدگان باشند هر چه زودتر اقدام کنند، بیمه هایی که در این خصوص کوتاهی و یا تعلل کنند به مردم معرفی می شوند.

۷۰۰ میلیون تومان یارانه به صادرکنندگان گلستان پرداخت شد

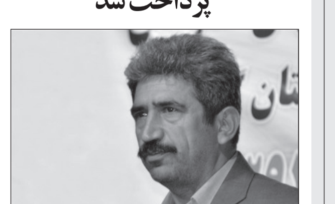

رئیس سازمان صنعت ، معدن و تجارت گلستان، از برگزاری همایش روز ملی صادرات گلستان تا پایان دی ماه در استان خبر داد و گفت: تاکنون ۷۰۰ میلیون تومان یارانه به صادرکنندگان گلستان پرداخت شده است. به گزارش تسنیم، به نقل از روابط‌عمومی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، حسینقلی قوانلو در سومین جلسه کارگروه توسعه صادرات غیرنفتی و سومین جلسه کمیته برون‌گرایی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی اقتصاد مقاومتی استان که با حضور معاون امور اقتصادی و توسعه منابع استاندار گلستان برگزار شد، اظهار داشت: تجلیل از صادرکنندگان و تجار و بازرگانان نمونه استان سبب تشویق و ترغیب صادرکنندگان به صادرات کالا و خدمات که از اهداف و برنامه‌های مهم دولت است، می‌شود و ما سعی خواهیم کرد تا پایان ماه جاری همایش تجلیل از صادرکنندگان استان را برگزار کنیم. قوانلو گفت: در سال‌جاری همه تلاش خود را برای تشویق صادرکنندگان کردیم و تاکنون موفق به پرداخت ۷۰۰ میلیون تومان یارانه به صادرکنندگان استان شده ایم. به گفته وی، نمایشگاه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در بغداد در کشور عراق در شرف برگزاری است و اگر ما بتوانیم یک پاویون در آنجا بگیریم و صادرکنندگان‌ما بتوانند در این نمایشگاه حضور یابند، در توسعه صادرات استان به این کشور بسیار موثر خواهد بود. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان گلستان درباره واگذاری مسئولیت برگزاری میز کشوری محصولات طیور، رب گوجه فرنگی، توتون و پنبه به استان نیز گفت: در تلاش هستیم تا این میز تجاری نیز تا پایان دی ماه در استان برگزار شود. قوانلو افزود: بعضی از سخت گیری‌ها ما را از اهداف صادراتی خود دور می‌کند و باید تلاش کنیم تا این سخت‌گیری‌ها و موانع را مرتفع کنیم. رئیس سازمان صنعت ، معدن و تجارت گلستان با بیان این که روزانه بین ۱۲ تا ۳۰ تن توتون از مرز اینچه برون در حال صادرشدن است، گفت: توتون استان به علت کیفیت بالای آن همواره برند بوده و باید تلاش کنیم تا مشکلاتی را که برای توتون‌کاران و دخانیات استان پیش آمده را رفع کنیم، و برگزاری این میز تجاری فرصت بسیار خوبی برای بررسی مشکلات و چاره‌اندیشی در این حوزه خواهد بود.

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

دانش آموزان گلستانی زیر سقف‌های ناامن

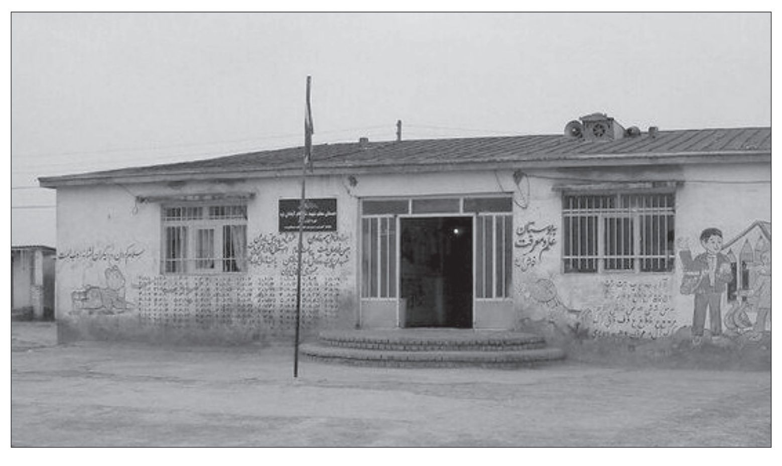

زلزله های اخیر در حالی زنگ خطر را برای نقاط مختلف کشور به صدا درآورده است که بر اساس آمار رسمی ۲۲ درصد مدارس گلستان تخریبی است و دانش آموزان بسیاری در این مدارس تحصیل می کنند. به گزارش مهر، سال‌هاست که در کشور ایران شاهد تکرار سناریوی زلزله هستیم، فلات ایران از نظر وقوع زلزله یکی از فعال‌ترین مناطق جهان بوده و زلزله اخیر کرمانشاه زنگ خطری برای همه ما است زیرا مناطق شمالی ایران به‌عنوان دومین مناطق زلزله‌خیز در کشور مطرح است، لذا توجه به مقاوم‌سازی سازه‌ها از ضروریات است. پنجم دی ماه هم زمان با سالروز زلزله بم، روز ملی ایمنی در برار زلزله نام گذاری شده است و در همین راستا طی سلسله گزارش هایی به بررسی وضعیت ایمنی در اماکن مختلف گلستان می پردازیم. یکی از اماکنی که باید به آن توجه ویژه شود مدارس است. در آیین‌نامه مهندسی، مدارس جزو بناهایی با درجه اهمیت بالا در نظر گرفته شده است و از آنجایی‌که زلزله قابل پیش‌بینی نیست ارتقاء آماده‌سازی مدارس و رعایت اصول ایمنی، یکی از مهم‌ترین روش‌های ممکن برای کاهش تلفات انسانی است. در زلزله کرمانشاه حدود ۸۰ مدرسه و ۴۰۰ کلاس درس تخریب شد ولی به مدارس مقاوم‌سازی شده آسیبی نرسید. دو بحث اصلی در این مورد وجود دارد. اول لزوم ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی مدارس که نیازمند عزم ملی است. به گفته مسئولان آموزش‌وپرورش گلستان، ۲۱.۲۸ درصد مدارس استان تخریبی بوده و حدود ۳۴.۹۸ درصد هم نیازمند مقاوم سازی است. بحث دیگر توجه به انتخاب ساختمان و مکان یابی مدارس غیرانتفاعی است. بعضی از ساختمان‌های مدارس غیرانتفاعی با هدف فضای آموزشی طراحی و ساخته نشده‌اند، لذا باید اصلاحاتی روی آن‌ها انجام شود تا پایداری ساختمان در برابر حوادث بالا رود.

ساختمان‌های قدیمی با کاربری مسکونی برای مدارس غیرانتفاعی

در این رابطه با مهدیه صبوحی، کارشناس فنی و مهندسی و دارای مدرک کارشناسی ارشد معماری، گفتگو کردیم. وی اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین مشکلات مدارس ما انتخاب ساختمان‌هایی است که کاربری مسکونی دارد. وی اضافه کرد: ساختمان‌های قدیمی با کاربری مسکونی که برخی از آن ها سیستم سازه‌ای مقاوم در برابر زلزله هم ندارد، به عنوان مدرسه انتخاب می‌شود، ساختمان‌هایی که بارهای زنده و مرده طبقات آن براساس تعداد افراد مشخص یک خانواده است، با هجمه‌ای از کودَکان، بار را تحمل می‌کند. صبوحی تصریح کرد: عرض راهروهای ورودی، خروجی و داخلی و پله‌های موجود در مدرسه و عرض پاگرد باید امکان تخلیه سریع دانش آموزان را داشته باشد، رعایت نکردن این اصول باعث می‌شود با کوچک‌ترین سرعتی بچه‌ها تعادل خود را از دست دهند و بیفتند و در شرایط اضطرار، به علت تجمّع دانش آموزان آسیب‌هایی به آن‌ها وارد شود. وی بر لزوم وجود در اضطراری هم تأکید کرد و گفت: مساحت حیاط مدرسهَ به ازاء هر دانش‌آموز مشخص شده است ولی در مدارس ما رعایت نمی‌شود، فاصله مدارس با یکدیگر باید رعایت شود تا در صورت وقوع زلزله، کمک‌رسانی به‌موقع انجام شود ولی این مورد هم در مدارس لحاظ نمی‌شود. وی به زلزله اخیر کرمانشاه گریزی زد و گفت: باید در خصوص زلزله‌های اخیر کشور درنگ کنیم و با توجه به این‌که گرگان جزو مناطق زلزله‌خیز است، اگر این اتفاق در ساعت مدرسه بیفتد، بچه‌ها با هجمه زیادی بیرون می‌آیند و نمی‌توان آن‌ها را کنترل کرد. ممکن است زلزله به تنهایی آسیب نداشته باشد اما فرار و افتادن سبب حادثه خواهد شد.

خیرین در سرمایه‌گذاری معنوی مدرسه‌سازی ورود یابند

برای آشنا شدن با وضعیت مدارس استان با مدیر آموزش و پرورش شهرستان‌های گنبدکاووس و کلاله صحبت کردیم. فرج الله رزاقی مدیر آموزش و پرورش شهرستان گنبدکاووس اظهار کرد: یک سوم مدارس گنبد، یعنی چیزی حدود ۱۴۷ آموزشگاه نیاز به مقاوم‌سازی و بعضاً تخریب دارد و تا زمانی که اعتبار نباشد یا خیّری ورود پیدا نکند وضعیت به همین روند خواهد ماند. وی افزود: اگر اعتباری که در شورای اداری شهرستان مصوب شده، اختصاص پیدا کند، نوسازی ۱۳ مدرسه گنبدکاووس امسال به پایان می‌رسد.

اعتبارات ما کفایت نوسازی و تجهیز مدارس را نمی‌کند

رزاقی با بیان این‌که به دنبال خیرین جدید هستیم تا از ظرفیت آن‌ها استفاده کنیم، تصریح کرد: تمام تلاش خود را در بخش ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی مدارس انجام می‌دهیم و این نکته را هم باید خانواده‌ها در نظر بگیرند که اگر آموزش و پرورش از نظر توسعه و عمران اصلاح شود، جامعه آباد خواهد شد بنابراین اگر در کنار هم قرار گیریم قطعاً حال مدارس خوب خواهد شد. وی گفت: اعتبارات کنونی ما کفایت نوسازی و تجهیز مدارس را نمی‌کند، اگر جویای مدارس امن هستیم باید اعتبارات کافی تخصیص یابد. مدیر آموزش و پرورش شهرستان گنبدکاووس تصریح کرد: در گنبدکاووس ۱۵ آموزشگاه خرید خدمات آموزشی (غیرانتفاعی) داریم که مؤسس باید همه امکانات و شرایط را فراهم کند و حال قریب به اتفاق آن‌ها خوب است. وی در پایان صحبت‌های خود از خیّرین و مردم تقاضا کرد که اگر می‌خواهند برای آخرت خود سرمایه‌گذاری کنند، آن را در حوزه آموزش و پرورش انجام دهند.

حال مدارس کلاله خوب است

در حالی که رزاقی یک سوم مدارس گنبد را نیازمند مقاوم‌سازی عنوان می‌کند، حسین طاهری راد، مدیر آموزش و پرورش شهرستان کلاله، اوضاع و احوال مدارس این شهر را خوب توصیف کرد و ادامه داد: وضعیت فضاهای آموزشی در شهرستان کلاله از نظر فیزیکی نسبت به سایر ساختمان‌ها خوب است.وی افزود: فضاهای آموزشی که اخیراً ساخته می‌شود، فضاهایی است که با زلزله هیچ مشکلی برای آن پیش نخواهد آمد زیرا همه استانداردها را طی می‌کند و بعد به بهره‌برداری می‌رسد.طاهری راد بیان کرد: نوسازی مدارس همه ساله انجام می‌شود، امسال چهار پروژه در حال ساخت داریم و دو پروژه هم به‌زودی کلنگ زنی خواهد شد.

حدود ۶۰ درصد مدارس گلستان ایمن است

مدیرکل نوسازی و تجهیز مدارس گلستان گفت: حدود ۶۰ درصد مدارس ما ایمن است و از سال ۸۶ علاوه بر ساخت‌وساز مدارس جدید تاکنون دو هزار و ۲۳۱ کلاس درس را تخریب و نوسازی و هزار کلاس درس را هم مقاوم‌سازی کردیم. عماد مخدومی با بیان این که فرایند مقاوم‌سازی با تخریب و بازسازی فرق می‌کند، اضافه کرد: در مقاوم‌سازی، مدارس حداقل‌ها را دارد و با هزینه ۳۰ الی ۴۰ درصدی، آن‌ها را طبق آیین‌نامه‌های جدید مقاوم‌سازی می‌کنیم ولی در تخریب و بازسازی، مدرسه کاملاً تخریب‌شده و مجدداً ساخته می‌شود. مخدومی در خصوص میزان اعتبار لازم برای بازسازی مدارس گلستان گفت: چون قیمت‌ها نسبت به سال‌های مختلف، متفاوت است و تورم وجود دارد نمی‌توان آمار دقیقی در این زمینه ارائه داد چون ممکن است اعداد با هم تفاوت داشته باشد.

۳۵۰۰ کلاس استان مجهز به سیستم حرارت مرکزی شد

مدیرکل نوسازی و تجهیز مدارس گلستان در خصوص استانداردسازی سیستم گرمایشی مدارس، اظهار کرد: هفت هزار کلاس استان بخاری گازی و نفتی داشتند که در سه سال اخیر، حدود سه هزار و ۵۰۰ کلاس مجهز به سیستم حرارت مرکزی استاندارد (رادیاتور و شوفاژ) شد. وی اضافه کرد: امید است در دو الی سه سال آینده همه مدارس استان به سیستم حرارت مرکزی و سیستم‌های استاندارد جدید مجهز شوند. مخدومی گفت: از ابتدای سال ۷۷ تاکنون حدود هزار و ۲۹۵ پروژه انجام شده که شامل ساختمان آموزشی، کانون فرهنگی و سالن ورزشی است که از این تعداد، ۵۲۷ پروژه با مشارکت خیرین به اتمام رسیده است. وی با بیان اینکه در این پروژه‌ها، ۶ هزار و ۳۰۵ کلاس درس هم ساخته شده، تصریح کرد: از این تعداد دو هزار کلاس درس مشارکتی بوده و با کمک خیرین ساخته شده است. مخدومی افزود: تجهیزات ایمنی از جمله اعلام حریق و کپسول آتش‌نشانی مدارسی که توسط نوسازی ساخته می‌شود در زمان تحویل بر عهده ماست و بعد از آن نگهداری از آن ها و همچنین مدارس قدیمی بر عهده آموزش‌وپرورش است.

تحقق برنامه ششم توسعه مشکلات مدارس را حل می‌کند

وی تأکید کرد: در برنامه ششم توسعه رقم خوبی از چند محل برای ایمن و مقاوم‌سازی مدارس در نظر گرفته شده است که اگر محقق شود تا پایان برنامه، بیش از ۸۰ درصد مدارس تخریبی و مقاوم‌سازی استان، ایمن‌سازی می‌شود. مخدومی با بیان این که با اجرای برنامه ششم اتفاقات خوبی خواهد افتاد، تصریح کرد: اگر بند (دال) ماده ۷۹ برنامه ششم اتفاق بیفتد طبعاً مشکل اکثر مدارس ما حل می‌شود، البته قانون دیگری هم وجود دارد، طبق بند (ه) ماده ۷۹ برنامه ششم دولت موظف است معادل کمک‌های خیرین به نوسازی کمک کند.

مدارس جدید چندمنظوره ساخته می‌شوند

مدیرکل نوسازی و تجهیز مدارس گلستان اظهار کرد: اکثر مدارس جدید براساس آیین‌نامه ۲۸۰۰ ساخته می‌شوند، در برابر زلزله تاب آوری دارند، در زلزله کرمانشاه هم مدارس به عنوان پناهگاه استفاده شد. مخدومی افزود: مدارسی که توسط نوسازی ساخته می‌شود، چون اعتبار عمرانی دارند، شامل قانون نظام مهندسی نمی‌شود و قانون‌های مرتبط با راه و شهرسازی و در واقع مقررات ملی ساختمان در آن لحاظ می‌شود.وی گفت: دولت، بنیاد برکت و خیرین برای نوسازی پای‌کار آمده‌اند و همگی کمک می‌کنند تا اتفاق خوبی در این زمینه بیفتد.

زلزله خبر نمی‌کند

مدارس به عنوان محیطی که بچه‌ها بیشترین زمان را در آن سپری می‌کنند، آن هم در استان گلستان که در معرض خطر زلزله است و ۳۲۶ هزار و ۸۵۹ دانش آموزان دارد، نیازمند توجه جدی در موضوع ایمنی سازه‌ای و غیرسازه‌ای است. چند سالی است که دولت در زمینه مدارس خدمات خوبی ارائه می‌دهد اما هنوز تا رسیدن به آنچه باید، فاصله زیادی داریم، تخصیص اعتبارات لازم و گرفتن تصمیمات جدی‌تر را باید سرعت بخشید، زیرا حادثه منتظر تخصیص اعتبارات نمی‌ماند کما این که اگر زلزله کرمانشاه در روز اتفاق افتاده بود معلوم نبود چه اتفاقی می‌افتاد.از نکات قابل تأمل دیگر توجه و نظارت بیشتر به ایمنی مدارس غیرانتفاعی است، پیشگیری همیشه ارجح و آسان‌تر نسبت به درمان است، با توجه به آنکه ساختمان مدارس غیرانتفاعی با هدف فضای آموزشی طراحی و ساخته نشده، توجه به ایمنی و پایداری این مکان‌ها برای حوادثی نظیر زلزله امری حیاتی است.نکته نهایی در مورد خیرین است، خیرین مدرسه‌ساز همواره تلاش‌های خوبی در جهت تخریب و نوسازی مدارس فرسوده استان انجام داده‌اند و چیزی معادل ۳۰ درصد پروژه‌های نوسازی با کمک آن‌ها انجام شده اما هم چنان یاری و مساعدت آن‌ها لازم و ضروری است.

برخی مدیران گلستانی از اعتبارات وزارتخانه‌ها اطلاعی ندارند

استاندار گلستان گفت: برخی مدیران دستگاه‌های اجرایی استان از اعتبارات موجود در وزارتخانه‌های مربوطه اطلاعی ندارند. به گزارش مهر، سید مناف هاشمی در ششمین جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه استان، اظهار کرد: لازم بود تا پیگیری برای بودجه دستگاه‌ها از ابتدای سال آغاز شود، البته هنوز هم دیر نشده و شاید تغییراتی در بودجه وزارتخانه‌ها ایجاد شود. وی افزود: باید پیگیری‌ها طوری باشد که بودجه گلستان به عنوان استان کمتر توسعه یافته کاهش نداشته باشد. هاشمی تصریح کرد: پیگیری‌های بودجه به یک سال کاری قبل برمی‌گردد و باید از فروردین ۹۷ برای بودجه سال ۹۸ تلاش کرد و نیاز است تا ادارات از ابتدای سال پیگیری کنند. وی ادامه داد: زمانی که من در استان گلستان مستقر شدم برای پیگیری بودجه بسیار دیر بود اما در همین مدت هم پیگیری کردیم و ایرادها مشخص شد.استاندار گلستان با بیان اینکه توازن را به استان‌هایی می‌دهند که از لحاظ اقتصادی محروم باشند، خاطرنشان کرد: ما دیگر نمی‌توانیم از این بند استفاده کنیم و از مدیران استانی می‌خواهیم تا پیگیری‌های لازم برای جذب بودجه را انجام دهند، البته تلاش‌ها باعث شده تا کاهش بودجه ما کمتر باشد. هاشمی افزود: برخی مدیران دستگاه‌های اجرایی استان از اعتبارات موجود در وزارتخانه‌های مربوطه خبر ندارند و باید بدانند که تا پیگیری انجام نشود اتفاقی رخ نمی‌دهد. وی ادامه داد: نباید فقط پشت میز خود بنشینیم و صندلی را بچسبیم بلکه باید پیگیری کرد تا به نتیجه برسیم.هاشمی تصریح کرد: پنج یا ۶ جلسه با نمایندگان مجلس در استان داشتیم و خوشبختانه حمایت های خوبی هم از سوی این عزیزان انجام شد. وی یادآور شد: در حوزه رسیدگی به کارکنان وضعیت خوبی نداریم و باید منتظر پایان سال باشند تا اعتباری برای آنها در نظر گرفته شود. استاندار گلستان در خصوص ۲۷ صدم درصد مالیات بر ارزش افزوده که به ورزش اختصاص پیدا می‌کند، گفت: این مصوبه باید توسط کمیسیون تخصیص پیگیری شود، ۳۰ درصد تخصیص ابلاغ شده و پس از دریافت مصوبه و تخصیص سازمان برنامه و بودجه، اداره کل اقتصاد و دارایی گلستان باید پیگیر باشد تا نقدینگی را برای پروژه‌های ورزشی استان برساند.هاشمی افزود: طبق آخرین اطلاعات، چهار یا پنج استان منابع خود را از طریق ۲۷ صدم درصد مالیات بر ارزش افزوده که به ورزش اختصاص پیدا می‌کند برای پروژه‌های ورزشی دریافت کردند و ما در این بخش عقب‌هستیم.

افزایش قیمت تخم مرغ در گلستان

سیر صعودی قیمت تخم مرغ در بازار مصرف که طی روزهای اخیر از مرز ۷۵ هزار ریال در هر کیلوگرم درشهرهای مختلف گلستان ازجمله گنبدکاووس گذشت، قیمت این ماده پروتئینی را به حدود ۱۰ هزار ریال بیش از قیمت گوشت مرغ رساند. به گزارش ایرنا، افزایش قیمت این ماده پروتئینی که مصرف آن در فصل پاییز و زمستان افزایش می یابد به گفته متولیان تولید و نظارت بر بازار یعنی جهادکشاورزی و صنعت، معدن و تجارت، به دلیل افزایش تقاضای مصرف و کمبود عرضه ناشی از ایجاد مشکلاتی برای برخی واحدهای تولیدی تخم مرغ در کشور است. معاون بهبود تولیدات دامی سازمان جهادکشاورزی گلستان در این خصوص گفت: به دلیل وقوع برخی بیماری های دامی مثل آنفلوانزای حاد پرندگان در سال گذشته و نیز برخی بیماری های تنفسی، خسارت شدیدی به واحدهای تولید مرغ تخم گذار کشور و یک واحد در این استان وارد شد. رحمت الله سمیعی گفت: این عوامل سبب شد تا تعدادی از گله های تولید تخم مرغ از بین بروند که زمان مورد نیاز برای جایگزینی گله های جدید و رسیدن آن ها به مرحله تولید حداقل هفت تا هشت ماه می باشد. وی با اذعان به افزایش قیمت تخم مرغ دراستان گلستان و دیگر مناطق کشور، افزود: دولت برای تنظیم قیمت این ماده پروتئینی در بازار، در صدد واردات تخم مرغ است. سمیعی اضافه کرد: در استان گلستان درمجموع ۲۰ واحد تولید مرغ تخم گذار با ظرفیت ۲ میلیون قطعه وجود دارد که تولید سالانه این

واحدها حدود ۲۷ هزار تن است که ۲۲ هزار تن آن در داخل استان مصرف و بقیه به دیگر استان ها صادر می شود. معاون رئیس سازمان و مدیر جهاد کشاورزی گنبدکاووس با تایید افزایش قیمت تخم مرغ در این شهرستان، گفت: براساس بررسی های انجام شده هم اکنون قیمت این ماده پروتئینی به هر کیلوگرم ۷۵ هزار ریال افزایش یافته است. غلامعلی نورا، علت اصلی افزایش قیمت تخم مرغ را مساله عرضه و تقاضا دانست و گفت: به دلیل کاهش عرضه از یک سو و افزایش تقاضا ازسوی دیگر، قیمت این ماده پروتئینی در حال افزایش است. وی اضافه کرد: در گنبدکاووس تنها یک واحد تولید مرغ تخم گذار فعال است و بخش قابل توجهی از نیاز بازار، از دیگر شهرهای استان تامین می شود. رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت گنبدکاووس نیز با اذعان به افزایش قیمت تخم مرغ در این شهرستان، گفت: براساس اعلام وزارت جهادکشاورزی، قیمت این ماده پروتئینی نباید بیش از ۶۲ هزار ریال در هر کیلوگرم باشد. خلیل رجبلی افزود: درصورت فروش بیش از قیمت تعیین شده، واحد صنفی مرتکب تخلف شده و با او برخورد می شود. وی از شهروندان خواست درصورت مشاهده گرانفروشی تخم مرغ، مراتب را با شماره ۱۲۴ گزارش دهند. رجبلی اضافه کرد: از امروز بازرسان این اداره به صورت ویژه درسطح شهر بر واحدهای صنفی عرضه کننده تخم مرغ نظارت می کنند و درصورت گرانفروشی، متخلف به تعزیرات حکومتی معرفی می شود.

۶۰ درصد تعهد اشتغال استان گلستان محقق شد

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان با بیان اینکه تاکنون حدود ۶۰ درصد تعهد اشتغال استان محقق شده، گفت: تاکنون ۱۱ هزار و ۲۷۶ شغل جدید توسط دستگاه‌های اجرایی استان ایجاد و در سامانه رصد به ثبت رسیده است. به گزارش تسنیم، محمود ربیعی در ششمین جلسه شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان با اشاره به تعهد اشتغال استان اظهار داشت: دولت ایجاد ۹۷۱ هزار شغل را در دستور کار قرار داده که سهم استان تا پایان سال ۱۹ هزار و ۴۰۰ شغل است. وی با بیان اینکه تاکنون حدود ۶۰ درصد تعهد اشتغال استان محقق شده است، افزود: تاکنون ۱۱ هزار و ۲۷۶ شغل جدید توسط دستگاه‌های اجرایی استان ایجاد و در سامانه رصد به ثبت رسیده است. معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری گلستان با بیان اینکه تا پایان سال وقت چندانی باقی نمانده است، گفت: امیدواریم با تخصیص اعتبارات اشتغالزایی بتوانیم در ماه‌های باقیمانده تا پایان سال تعهدات اشتغال استان را محقق کنیم.وی درباره جذب سرمایه‌گذار هم خاطرنشان کرد: استان گلستان ظرفیت‌های خوبی در حوزه‌های مختلف گردشگری، کشاورزی و صنعت برای سرمایه‌گذاری دارد و در این زمینه اقدامات زیادی انجام شده است.ربیعی اظهار کرد: در اردیبهشت یا خردادماه سال آینده همایش سراسری سرمایه‌گذاری در استان برگزار خواهد شد و دبیرخانه آن نیز در اداره کل جذب سرمایه‌گذاری استانداری ایجاد شده است.سعید مازندرانی، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان هم در این جلسه با بیان اینکه پول در استان موجود است، گفت: متأسفانه با وجود اینکه در حال حاضر ۳۰۰ میلیارد تومان پول در استان داریم اما دستگاه‌های اجرایی طرحی برای دریافت تسهیلات معرفی نکرده‌اند.وی افزود: تنها ۳ دستگاه اجرایی شامل صنعت، معدن و تجارت، جهادکشاورزی و میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری طرح‌های خود را ارائه کرده‌اند که باید اهلیت افراد متقاضی تسهیلات تأیید شود. در همین‌باره استاندار گلستان هم از دبیرکارگروه اشتغال استان خواست تا لیست دستگاه‌های اجرایی که نسبت به تهیه طرح و ارسال آن به دبیرخانه برای استفاده از این تسهیلات اقدام نکرده‌اند را در اختیاروی‌قراردهد.

خبر

کشاورزی گلستان سنتی و ناکارآمد است

نماینده‌ولی فقیه در استان گفت: باوجود رشد و رونق جهانی صنایع و ابزار، کشاورزی گلستان همچنان سنتی و ناکارآمد است. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی دفتر نماینده ولی فقیه در استان، آیت الله سیدکاظم نورمفیدی در بیست و دومین گردهمایی ائمه جمعه استان گلستان با موضوع توسعه آب، کشاورزی و اقتصاد مقاومتی در گرگان افزود: این گونه بهره برداری از زمین های کشاورزی دیگر جوابگوی نیاز جمعیت حدود دو میلیون نفری گلستان نیست و لازم بوده با بهره گیری بیشتر از دانش روز در کشاورزی سنتی استان تحول جدی انجام شود. امام جمعه گرگان افزود: یکی از نتایج تداوم کشاورزی سنتی، بهره برداری بی رویه از منابع آب زیرزمینی و نشست فراوان زمین در برخی مناطق است که اگر در این شیوه اصلاح جدی صورت نگیرد، فرونشست زمین، خاک گلستان را نابود خواهد کرد. نماینده مردم گلستان در مجلس خبرگان رهبری ادامه داد: افزون بر ۱۶ هزار چاه غیر مجاز و ۲۰ هزار چاه مجاز، منابع آب های زیرزمینی را تا حد فراوانی کاهش داده که توجه و برنامه ریزی جدی برای جلوگیری از آن ضروری است. آیت الله نورمفیدی ادامه داد: دستگاه های اجرایی مرتبط با پی بردن به دلایل این گونه آسیب ها برای حل آن اقدام کنند تا نگرانی های مرتبط با آینده این حوزه تا حد زیادی کاهش یابد. نماینده ولی فقیه در گلستان افزود: تا زمانی که در عرصه عمل اتفاقی برای حل این نارسایی های زیربنایی رخ ندهد، مواضع ائمه جمعه در خطبه ها برای تشویق مردم و کشاورزان به استفاده کمتر از آب تاثیر گذار نخواهد بود. امام جمعه گرگان در خاتمه بر لزوم استفاده ازهمه ظرفیت های استان برای رسیدن به توسعه تاکید کرد و گفت: متاسفانه گلستان از لحاظ برخورداری از زیرساخت های گردشگری و صنعت عقب تر از دیگر استان‌ها بوده و نیازمند توجه جدی تر است.

برخی از کارمندان گلستانی ۱۰ دقیقه کار مفید انجام می‌دهند

نماینده مردم مینودشت، گالیکش، کلاله و مراوه تپه در مجلس شورای اسلامی گفت: در برخی ادارات گلستان تعدادی از کارمندان در وقت اداری شاید فقط ۱۰ دقیقه کار مفید انجام دهند. به گزارش مهر، شهرام کوسه غراوی در ششمین جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه گلستان، اظهار کرد: رویکرد استاندار گلستان عملیاتی محور است که باید آن را به فال نیک گرفت و در این مسیر حرکت کرد. وی افزود: انتظار داشتیم تمام مدیران و فرمانداران در حوزه بودجه فعال باشند زیرا نقش نمایندگان مجلس در این حوزه خیلی پررنگ نیست. کوسه غراوی تصریح کرد: امسال برای اولین بار نمایندگان با استاندار گلستان برای بررسی بودجه جلسه گذاشتند زیرا موضوع بودجه بسیار مهم است و اگر در این مسیر حرکت کنیم در تمامی زمینه‌ها موفق خواهیم بود. وی ادامه داد: در برخی ادارات استان تعدادی از کارمندان در وقت اداری شاید فقط ۱۰ دقیقه کار مفید انجام دهند. نماینده مردم شرق گلستان در مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: هزار میلیارد تومان از صندوق توسعه ملی توسط مجلس تصویب شده و در اختیار دولت قرار گرفته که باید به طور جدی به آن بپردازیم. کوسه غراوی بیان کرد: انتظار داریم این بودجه هزار میلیارد تومانی حیف نشود و تمامی مدیران استانی و فرمانداران باید در این زمینه تلاش کنند.وی افزود: باید در کنار یکدیگر برای پیشرفت گلستان تلاش کنیم و سال آینده جزو استان‌های برتر کشور باشیم.

عاملان نزاع در شهر جلین شناسایی شدند

معاون اجتماعی فرمانده انتظامی گلستان از شناسایی عاملان درگیری و نزاع در شهر جلین خبر داد.علی بهرامی در گفتگو با مهر اظهار کرد: شامگاه جمعه تصادف دو خودرو موجب نزاع و درگیری صاحبان خودرو در شهر جلین شد. وی با بیان اینکه این نزاع موجب درگیری بیشتر و وارد شدن خسارت به تعدادی خودرو شد، افزود: عاملان این نزاع که حال طبیعی نداشتند متواری شدند اما توسط نیروی انتظامی شناسایی و به زودی دستگیر می شوند.معاون اجتماعی فرمانده انتظامی گلستان اظهار کرد: امنیت مردم خط قرمز نیروی انتظامی است و برای حفظ آن با کسی تعارف نداریم و از حداکثر توان قانونی خود برای مقابله با این افراد بهره می برد.

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

دیوانه با یک اسب، مرغوب‌تر هم هست

شرحم از کتابِ یک پرنده در هوای دلنشینِ متن

نیما صفار – دروغ نگم، بیست‌وپنج/شیش ساله می‌خوام یه چی درباره تارکوفسکی بنویسم. تو این سالا درباره خیلی از فیلمسازا نوشتم ولی هی داره نوشتن درباره اون سخت‌تر می‌شه. یعنی آدم می‌خواد یه چی بنویسه که حق مطلب رو ادا کنه و هی نمی‌نویسه و هی حرفا تلنبار می‌شه تا می‌مونی: «از کجا شرو کنم؟» درباره حبیبین شعر فارسیم ماجرام همینه (موسوی و محمّدزاده) درسته که یه چاربرگ ویژه‌شون درآوردم و چیزاییم نوشتم ولی هنوز چیزی که به دلم بشینه نه. ماجرا محمّد فرازجو و کتابش همین‌طوریاس. باید سر غزلاش یه مکث سر دل و فرصت بکنی و معمولاً دل و فرصت با هم هماهنگ نیستن. بیست سالی می‌شه می‌شنوم و می‌خونم این غزلا رو همیشه مشتاق بعدیم و همین شاید سر جمع کردن فکرم رو واسه پیدا کردن گارد شروع سخت می‌کنه. پس از همینجا شروع می‌کنم. دگاردد بودن: غزل معاصر، تا اونجا که خوندم، و منظورم اون تلاشاییه که تن به چارچوب قالب می‌دن تو شعر معاصر، معمولاً با گاردای مشخصی تو فحوی و دایره واژگانی و ... اومده وسط. کتاب شعر «یک پرنده در هوای دلنشین متن» به وضوح خودش رو ملزم به موضعی نکرده. قبلش باید بگم: منفرد بودن: اغلب تلاشای غزل معاصر (غزل رو مجاز جزء از کل قوالب می‌گیرم) تو قالب گروه پیش رفته؛ حتی اگه تو مقطعی انفرادی بوده، چون حاوی‌ی پیشنهادایی سرراست بوده، به سرعت گروه‌پذیر شده ولی تو گرگان، مشخصاً سه شاعر، حبیب موسوی، محمّد فرازجو و محمّد مطلوب، هر کدوم دستاوردا و عرصه‌های انفرادی و متفاوتی دارن و اگه تأثیریم گرفته باشن؛ اصل ماجراشون همین یونیک بودن و کار خود رو کردنه؛ این بدیهی که اگه کاری رو الف داره می‌کنه، یعنی لزومی نداره من دیگه انجامش بدم و البته بازم بداهتاً دلیلی نداره انجام ندمش! دگاردد و منفرد بودن: این دو خصیصه هم می‌تونن تشدید کنن هم رو و هم منتفی. وقتی فردی بودن تجربه با گارد مشخصی همراه نباشه، نتیجه‌ش می‌تونه بشه تنوّع تجربه‌ها. انگار بنا نیست فردیّتی اینجا تولید و تناور بشه. پس ما از تأویل‌مدارترین تا صریح‌ترین اشعار رو داریم؛ از ایماژیستی‌ترین تا گفتنی‌ترین، از گارددارترین تجربه‌ها گرفته تا اشعاری در ادامه‌ی احوالات پیشین غزل فارسی. شاعر به هیچ‌کدوم از صداهاش نه نگفته و تلاش چپوندن‌شون تو یه بوطیقا رو نداشته. از «در این آهوهوای تلخ کبوتر، شب‌مانده‌ی زرد» داریم تو صداهاش تا «قلبم؟ تپشش؟ بله، منظم شده است» تا «درختِ این، چنگال، گیاهِ آن، هم، مار» تا «خبری نیست فقط سربازند، سر سلطان به سلامت باشد» تا «خواب زد و ورقی شد، رعدی صدا کرد» و ... این وضعیّت پرزنت کردن غزل فرازجو رو به مخاطب شعر فارسی که تو چنبره‌ی «عادت/خرق عادت» گرفتاره، سخت می‌کنه؛ مخصوصاً که تو قالب کار می‌کنه محمّد ... یعنی جماعت عموماً از غزل می‌خوان همون غزل باشه، تو چارچوبای ژانری و نه فقط قالبی و با همون طنین آشنا و اگه نه، شمشیر رو از رو بسته باشه. این حالت که گاهی تن می‌زنه از وضع موجود و پیشنهادای خودش رو داره و گاهی به گفتگو با پیشینه می‌شینه رو نمی‌گیرن خیلی جماعت. چیکارشون کنیم؟ اینن دیگه! یعنی نمی‌شه خصیصه‌هایی مشترک رو تو کارا دید؟ لازمه همین الآن اعلام کنم که داشتن خطّ استمرار رو نه حسن می‌دونم نه قبح؟ نیست لازم؟ اوکی! حالا بد یا خوب، تو کارای کتاب می‌شه مشابهتایی دید. دوتا مهمّش: ۱–محمّد فرازجو ۲–تقطیع

محمّد فرازجو: نمی‌شناختم اگه محمّد رو و این کتاب رو می‌خوندم، به شدّت مشتاق دیدنِ شاعرش می‌شدم؛ یکی‌ش به خاطر مهربونی و حسّاسیّتی که تو کارا هست، هم حسّاسیّت به کلمه و عبارت و هم غلیان احساسات. شاید همه‌ی کارای کتاب «موضع» داشته باشن. علاقه‌ای به گرفتن فیگور بی‌طرف و تفسیری نیست. انگار اعتراض پیش‌فرض کاراست؛ اعتراض و تمنا ... آشنا هستیم دیگه! اعتراض به وضع موجود و تمنای چیز غایب. این مرد/من توی کارا بیشتر غیابی گذشته‌سازه. بخونیم: فقدان! جز این چیز غالب (فقدان) کجا می‌تونیم پیدا کنیم هم رو؟ اینش جالبه که فرازجو به وضوح حذر از مرگ می‌کنه ولی مرگ، هست که فراوونی‌ی زیستِ شعرا اینقدر لرزون و ناپایداره ... انگار دارم نزدیک‌تر می‌شم: «رفته بود، ساعتم، ساعتم که زنگ زد/ باد زد، هوا نشست آسمان کثیف‌تر»، «دریا شد و تنها نشست، تنها شد و تنها شکست/جان را رها کرد آرشین با آخرین تیر از کتاب»، «شُب، خفه! وقتِ تنفس تمام شد، برو/ –من؟ من و من که افتاده‌ام به منِ منِ و»، «نوشتم ولی باز مثل همیشه همان شد/ همان بادهایی که پشتِ سرِ بادهایی»، «دیوانه‌ام، اسبم، یک چوب در کوچه/ دیوانه با یک اسب، مرغوب‌تر هم هست»، «درختِ سیب خانه‌ی ما، الهی که سیب بماند/ پرستو خوشرنگ است و زیبا، نمی‌خواهم «قو» شدنش را» و ... «زمان گذشت و کودکِ زبان رسید/ رسید و گفت: ((سنگ))، سنگ، سخت شد»

تقطیع: پا توی کفش حبیب (موسوی) کردن راحته؛ بس که پا داره این بشر (منظور سایزه!) منظور این که تقطیع بحث احداثی‌ی حبیبه و منتظر در اومدنِ کتابشم. منم در حدّ بضاعتم می‌گم چون نمی‌شه بدون اشاره به این مهم، به یکی از چیزایی که خاص می‌کنه شعر فرازجو رو رسید. تو بیشتر نمونه‌های غزل معاصر، علاوه بر اوزان مشابه، شاعر یا شاعرا کتاب یا کتابایی با یه تقطیع ثابت در میاَن. پس نباس تعجّت کرد که ناشرین و مشاورای اسمی و بی‌سوادشون کارای کتاب رو دارای غلط وزنی بدونن طوری که فرازجو ناچار شه پایین هر شعر وزنش رو بنویسه و این سندی بشه بر بلاهت دورانِ ما! بله، می‌دونم بلاهت این دوران سند نمی‌خواد، ولی مستندش بیشتر می‌چسبه. فکر کنم بیشترِ شعرای کتاب از مصرع اوّل شروع می‌شن (منظور ساختشونه) ولی تو اکثرشون برای این که دچار عادتای روون‌خونی نشیم، تقطیع مصاریع هی متفاوت می‌شه. درست‌تر: چون تقطیع تکراری ندارن مصرعا، دچار عادت روون‌خونی نمی‌شیم. جای مکثا و لحن فقط نیست که عوض می‌شه. چرخش تو نوع و حیطه‌ی توجّهم هست که مهمّه. قبل نمونه آوردن همین رو بگم که تو بعضی کارای معاصر تو یه مصرع (معمولاً آخری) به ضرورتی تغییر تقطیع داشتیم و ... ولی اینا رو نه: «هوا خالی، صدای باد، بادِ کبود و بالِ تب آبی/ سلام و سرخ سنگ خورده، سلام و شاید، اگر، مرد»، «بدم از انسان پُر از بد، بدم از موجودِ شریفی/ که دارد یک کم کرم و خیلی خیالِ زالو شدنش را/ فرار یک گنجشک شاد از هگل‌ها و هایدگرها/ نمی‌خواهد یارو بداند دلیلِ یارو شدنش را!!»، «مثل همیشه همه گفتند: آه این هم؟!/ می‌شود این همه دیوانه را دوا کرد؟»، «چند نفر هم از آنها لبخند بودند/ مرد برای تمام آنها دعا کرد»، «آن خارهای بیابان بستند راه به روی/ ماه به خانه رسیده، آن ماه راه نمی‌خواست/ سرخ از شکوفه شدن شد مثلِ تمامِ جماعت/ رفتم سیاه بپوشم دیدم سیاه نمی‌خواست»، «که کدام پرنده باز از منظره افتاد؟/ کفِ پای گلوله یا سرِ پنجه‌ی یک تیر؟/ لبِ جو بنشین، گذشتنِ عمر ببین، کی؟/ سرِ ساعت چند می‌زند عقربه شمشیر؟»، «دل از این خاک خواهم کند حتی ریشه‌ام را بعد می‌نوشم/ شرابی از نگاهی تا به نامِ عشق از عمق خاک برخیزم/ و با عکس تو ای زیبا شکوفا می‌شوم امّا، نمی‌دانم/ که این فانوس تنها را کجای این شبِ خیره بیاویزم»، «آن روز می‌شد با فرشته گفتگو کنم/ امّا فلزِ ساکت نماند و بی درنگ زد/ کُشتم برای خواب هر چه آهنی که بود/ کُشتم، ولی این ساعت نمرده زنگ زد» ... می‌شه حالا حالاها مثال آورد. متوجّهین که اسلشا تو شنیدن نیستن/هستن؟ تو بعضی کارا تنوّع تقطیع منجر به هارمونی شده ولی میل غالب این نیست. بیشتر مکث و وصلای گفتن‌طوره. حافظه: یه سری چیزا که یکی‌شون همین نوع تقطیعه، یکی سرراست نبودن روایت و ... به خاطر سپردنِ کلّ یه غزل رو سخت می‌کنه و ... اصلاً چرا نگم تولید فراموشی تو متون می‌شه؟ این با خواست خود فرازجو که پرهیزه از حفظ کردن کاراشم جور در میاد (تا تأثیر و طنینِ کارا به تکرار نکشونتش) ولی تو کتاب حیّ و حاضری که ورق می‌خوره چی؟ «توی این آیینه‌هایی که ترک دارند/ رهگذرها چهره‌های با نمک دارند»، «آن‌طرف انگار دارد شعر می‌خواند/ یک پرنده در هوای دلنشینِ متن»، «مرد، تنها، کت و شلوار به تن/ سایه‌ی محو لب کت شده بود»، «من با تو قصه بودم این شهرزاد عاشق/ می‌بینمت همیشه در خواب‌های چندم» ... به وضوح کارا ربطی به حفظ و حفاظ ندارن. به خاطر میان و سپری می‌شن. کتاب به دست نمیاد. چه بهتر! «پُر» و «متنوّع» بودن کارای کتاب و سر زدن‌شون به خیلی جاها، سرجمع کردن تجربه خوندن کتاب رو سخت می‌کنه. بازم چه بهتر! تئوری: گفته بودم؟ خیلی نه: که شاعر گیر تو دوگانه‌های هویّت‌ساز و تعیّن‌بخش نمی‌کنه؛ انتخاب بین زبون صمیمی یا فاخر، روایت طولی یا منشوری، پَرسه یا پُرسه، کنایه یا استعاره و ... این سهولت عبور یکی از همون چیزاییه که منجر به دگاردِدی می‌شه. حالا بگم رابطه شاعر و کتابش با تئوری عموماً از جنس تن دادن/ تن زدنه؟ این‌طوری بگم که «خونده بودن» رو می‌شه از خلال کارا گرفت و بودن تو فضای بحثای تئوریک رو. حالا دارم تقلّب می‌کنم از شناخت خودم از محمّد و این که می‌دونم اهل مطالعه بوده همیشه و پی‌گیر مباحث تئوریک یا مستقیم از کتاب می‌گیرم؟ فکر کنم شمایی که احتمالاً شناخت کم‌تری از شاعر کتاب دارین، با خوندن مثالای بالا موافق‌تر از من با خودم باشین که خود شعرا تماس شاعر با فضای تئوریک رو نشون می‌ده. یعنی بی‌توجّه تئوریک خیلی بعیده مثلاً بگی «وجود، فاصله بود، درخت، آتش و دود/ هوای سرخِ عجیب، پرندگانِ کبود/ گیاهِ ماه نشست در آفتاب و درخت/ و میوه‌های شدید رسید از سرِ رود/ هزار مرحله بعد از آب و آدم و برگ/ رسید آهنِ عقل به کوره‌های صعود/ دعا و ورد و علف، هوای مبهمِ مِه/ از ایستادن و باد به ناگهانِ حدود/ هزار سال گذشت از آسمان و درخت/ هزار سال گذشت از ابتدای وجود/ دوباره آدمِ پیر، نگاه کرد و ندید/ درخت، آتش و دود، هنوز، فاصله بود» یا «نه، من اصرار دارم، سیم برقی سبز دیدم با فتوسنتزِ تند/ مخالف‌ها! که هی تز می‌دهید و ای موافق‌ها که آنتی‌تزِ تند/ همیشه من به مأموری که پرسیده چه خوردی؟ گفته‌ام: شعر، امّا/ چنان می‌سوزد انگاری یقیناً شعر یعنی: فلفلِ قرمزِ تند/ دهانش باز و چشمش باز و دستش، باز می‌پرسد؟ نمی‌فهمَدَم یا/ نمی‌خواهد؟ ندارم انتظار فهم از این آدمِ عاجزِ تند/ چه بد شد! چون من این‌هایی که گفتم را نوشتم، خوب می‌دانم این را/ که می‌سازند از آنها، بر علیه‌م، باز، یک پرونده‌ی بارزِ تند/ نگفتم بهتر است، اصلاً، قلم، کاغذ، کنار دستهایم نباشد؟!/ مریضم می‌شوند انگشتهایم، داغ، سوزن سوزن از گزگزِ تند/ از آن شب که تو بودی، سیم‌ها را سبز دیدم، گیر کرده زبانم/ که خور–خور–خورده‌ام چیزی، که قرصِ ماه دارد این عوا–وارضِ تند» و ... که وقوف به بحثای امروز و دیروز داخلی و خارجیِ تئوریک رو نشون می‌دن. امّا در نهایت تو چنگ اون مسائل گیر نمی‌کنن و ازشون احکام نمی‌سازن؛ شبیه همون رفتاری که شاعر با پیشینه‌ی غزل داره؛ ضمن این که کار خودش رو می‌کنه دلیلی هم نمی‌بینه افتراقش رو برجسته کنه. من فکر می‌کنم ایـن سُـر خوردنه که فرازجو رو فرازجو می‌کنـه و این کتاب رو تا این حد خوندنی. محمّد از کنار اون دریافت رایج تو فارسی از تئوری، یعنی حکم در آوردن از عبارات نامداران، به زیرکی عبور می‌کنه. یعنی حرف رو می‌شنوه و کار خودش رو می‌کنه. ولی من فکر می‌کنم چون تو این ایران موجود چاره‌ای جز شاعر/منتقد بودن نداریم و از طرفی سویه‌ی پررنگ تجربه‌گرایی تو سلوک شعریِ فرازجو هست، می‌تونه تئوری به معنی‌ی به گفتگو گذاشتنِ شعر و فکرِ شعر تو کتابای بعدی خوش‌جلوه‌تر بشه. از هفتادونه شعر کتاب بیشترشون پر از نکته‌سنجی و ریزبینیه؛ دقتایی که خیلی وقتا مخاطبِ معمولی رو می‌پرونن. می‌شه این ظرائف رو به کنجکاوی کشوند و سوأل‌آمیزتر کرد فضا رو. یعنی می‌شه توجّه رو از یافتنِ نکته‌ی مستتر بیشتر به سمت تولید روابط جدید برد و ... فکر نمی‌کنم اینِ دو سه خط (درست برعکس بقیه) خیلی مفهوم بوده باشه. چون خصوصیه تا حدودی و خطاب به شاعر. دارم پُر رفاقت می‌دم! قالب، فقط قالب، ژانرم شد، شد: نقطه قوّت کارای فرازجو که اونو از اکثر جریاناتِ پست‌مدرن و آوانگارد و ... متمایز می‌کنه اینه که التزامش به غزل، صرفاً در حدّ قالبه و تلاش نمی‌کنه ژانر و ساب–ژانر ازش در بیاره ولی همون‌طور که گفتم اگه بیت یا بیتایی رو ریل ژانرم افتادن طفره نمی‌ره. سوای این که شهرستانی هستیم، پارتی و آشنا نداریم و همچین کتابای توپی باید با انتشاراتای نامربوط در بیان و ... دگاردِدی (نداشتن فیگور تهاجمی و تقابلی)، منفرد و متنوّع بودن، سویه‌های تئوریک، ریزبینی و ... واسه مخاطبای معمولِ غزل معاصر که یه چیز سرراست می‌خوان که اگه پیچیدگی و نکرگی‌یی هم داشته باشه، تو سامانِ غزل و دونسته‌های پیرامونی معرفه و رمزگشایی شه، این کتاب رو دور از دست می‌کنه. یکی‌ش همین دیگه! خودت رو بذار جا یکی از همین مخاطبا (اگه نیستی)! می‌بینی اکثر شعرا نگاه قالبی و اسکلت‌وار دارن به ماجرا ولی جاهایی یهو فشرده‌ی قرونِ غزلِ فارسی می‌زنه ازشون بیرون ... تکلیف رو نمی‌دونی و احتمالاً هنوز این بلاتکلیفی رو یه فرصت نمی‌بینی! اگه من باشم، که هستم، با این نیم‌لا نگه داشتن در به پیشینه به شدّت موافقم. اصلاً می‌تونه رومون این‌ور باشه ولی همون در نیم‌لا هر از گاهی فورانِ رنگ و فراوونی رو داره با خودش ... عصبانی و مهربون: پیش از بستن بحث، شاید بد نباشه آدرسایی رو تو کار محمّد پیدا کنیم: «در این آهوهوای تلخ کبوتر»، «ساعت، دقیقه‌ای که هیچ کس ندید»، «خواب زد و ورقی شد، رعدی صدا کرد»، «یک نبود باد زد، آسمان کثیف‌تر/ یک که بود حرف زد، سنگ هم لطیف‌تر» ... خیلی جوروا جورن و تنها وجه مشترک‌شون سرراست نبودن‌شونه. حالا تو این آدرس‌ها چی می‌شه؟: «خودم را می‌نویسم از تو خودم را می‌خوانم از درد»، «بعد از کمی درخت و مرد می‌روند»، «چند نفر هم از آنها لبخند بودند/ مرد برای تمامِ آنها دعا کرد»، «رفته بود، ساعتم، ساعتم که زنگ زد/ باد زد، هوا نشست آسمان کثیف‌تر» ... دیدین؟ تو مختصّاتی مبهم آشنا می‌شیم! دقیق‌تر: رابطه مستولی بر ربط می‌شه! به قول علی جهانگیری ته همه شعرا یه عصبانیّتیم هست، به قول حبیب موسوی حتی شعرایی که کنایه‌ی خاصّ سیاسی هم ندارن به شدّت سیاسی‌ان. تو این دوران لمس‌شدگی، هم از وحشتِ روبرو هم از آوارِ پیشینه، چقدر محتاجِ بروزِ احساسیم! چقدر؟ خیلی!

«تو مثلِ عطرِ عشقی در کوچه‌ی جوانی/ خدا کند بمانی، بارانِ ناگهانی!»

*مجموعه غزل محمّد فرازجو/انتشارات طرّاحان ایماژ/۱۳۹۵

بازیابی ظرفیت‌های نقد ادبی سنتی

سایه اقتصادنیا

سایه اقتصاد نیا ـ در سال‌های اخیر، کسانی که از نزدیک سیر مطالعات ادبی در کشورمان را دنبال کرده‌اند، یا حتی از دور دستی بر این آتش دارند، با وحشتی فزاینده و هولی مدام روبه‌رو شده‌اند: فقدان نظریهٔ ادبی. می گویم «وحشت» و «هول»؛ چراکه مروری بر انبوه مقالات انتشار یافته در مطبوعات ادبی، بازخوانی مصاحبه‌ها، نگاهی به آمار تشکیل کلاس‌های نقد ادبی و ... به خوبی روشن می‌کند که این نگرانی تا چه حد در دل منتقدان، پژوهشگران، و حتی مخاطبان ادبیات رخنه کرده و در نوشته‌های ایشان بازتاب یافته است. جوّ حاکم بر جامعهٔ ادبی ما از سال‌های میانهٔ دههٔ ۱۳۷۰ شمسی به این سو، بر اثر غلبهٔ این هول، با التهاب و تشویشی روزافزون روبه‌رو شده است. عده‌ای از کسانی که خود را منتقد می‌پنداشتند نومیدانه قلم را زمین گذاشتند و عده‌ای که در جذب و کاربرد مفاهیم نورسیده تبحری چشمگیر دارند، شروع کردند به پر کردن صفحات مجلات ادبی و ادامه دادن سر این رشته که باید، باید، باید نظریهٔ ادبی را، مثال ده فرمان موسی، سرلوحهٔ هر نوشتهٔ نقادانه‌ای قرار دهیم. انبوه آثار ترجمه‌شده پیرامون نقد و نظریهٔ ادبی یکباره به بازار کتاب سرازیر شد و متعاقب آن، انبوه الفاظ، اصطلاحات، و مفاهیم گنگ، تعریف‌نشده، تثبیت‌نایافته و جانیفتاده ذهن و زبان تلاشگران این حوزه را لبریز کرد. مطالعات مبتنی بر تاریخ ادبیات، تحقیقات سبکی، و پژوهش‌های محتوامحور به طرفةالعینی بی‌ارزش، ازمدافتاده، تکراری و من‌عندی دانسته‌شدند و نظریهٔ ادبی تبدیل شد به لباس جدید امپراطور. نگارنده گمان نمی‌کند امروزه کسی در لزوم نظریه‌پردازی در حوزهٔ نقد ادبی تردید کند. خوشبختانه حاصل مثبت جوّ پرالتهابی که از آن سخن رفت، دست‌کم اثبات این ضرورت بود که نقد نیز، همچون هر کار علمی دیگر، روش دارد و روش‌ها از فرضیات و نظریه‌ها منتج می‌شوند. اما نظریه‌ها را در کجا باید جست؟ آیا می‌توان نظریه را به مثابهٔ یک شیء بسته‌بندی شده از غرب وارد کرد و به کار بست؟ یا نظریه، به همان معنای اصطلاحی‌اش، حاصل فرضیات و شکّیات و تفکّراتی‌ست که رفته‌رفته از دل نیازها و تحولات فرهنگی و اجتماعی می‌جوشد و شکل می‌پذیرد و مدون می‌گردد؟ پاسخ نگارنده به پرسش اول منفی و به پرسش دوم مثبت است. نظریه یک کالای جدید فرهنگی نیست که با واردات بتوان صاحب آن شد. مایکروویو نیست که آن را به برق بزنیم و برایمان کار کند! نظریهٔ وارداتی، چون مسبوق به سابقهٔ تفکر انتقادی ما نیست و بر هویت تاریخی و ادبی و ستون‌های فرهنگی ما اتکائی ندارد، صرفاً در حد نظری باقی می‌ماند و نتیجهٔ عملی آن، که علی‌القاعده باید نقد متون باشد، چندان چشمگیر نیست. حداکثر دستاورد آن نقدهای سترون و خاموشی‌ست که با استفاده از این و آن نظریه، با سرعتی صعودی، انتشار می‌یابند، بی‌آن که هیچ پرتو تازه‌ای بر متون ادبی ما بیفکنند. پس فقر نظری خود در زمینهٔ نقد ادبی را چگونه باید جبران کنیم؟ به نظر می‌رسد تنها راه پیش رو تولید نظریه است، اما به‌کاربردن اصطلاح «تولید» نیز برای امری نظری سطحی و خنده‌آور، و به‌علاوه ناممکن جلوه می‌کند. تدوین نظریه کار یک نفر، یا گروهی از افراد که بدین منظور گرد هم می‌آیند نیست! امری‌ست زمان‌بر، روندی‌ست تدریجی، و با ارادهٔ فردی یا تصمیمات سازمانی، یک‌شبه و یک‌ساله خلق نمی‌شود. نظریه‌ها برآمده از نیازها و تحولات فرهنگی‌اند. خود از دل پس‌زمینه‌های فرهنگی می‌جوشند و تعاریف و مصادیق خود را می‌یابند. اوضاع اجتماعی و فرهنگی موجد سبک‌ها، مکتب‌ها و نظریه‌ها هستند نه تصمیم و ارادهٔ افراد؛ هرچند تصمیم و ارادهٔ افراد می‌تواند در یافتن خلاءها، پیشبرد زمینه‌های فکری، و فراهم آوردن بستری زاینده موثر باشد. فراموش نکنیم که بخشی از ظرفیت‌های نقد سنتی در سیلاب مفاهیم و الفاظ نوی وارداتی، نادیده گرفته شده و جفاکارانه پس رانده شده‌اند. بخشی از این ظرفیت‌ها از دستاوردهای فکری دوران معاصرند که در نوشته‌های منتقدان ادبی معاصر پراکنده‌اند. نتیجه‌ای که نگارنده مایل است از این بحث مقدماتی بگیرد این است که اولاً صرف استفادهٔ مکانیکی از نظریهٔ ادبی در نقد متون، بدون در نظر گرفتن فاکتورهای دیگر ـ ازجمله خلّاقیت، شمّ انتقادی منتقد، پیوندهای میان‌رشته‌ای و ... ـ آسیبی‌ست که فضای حاکم بر نقد ادبی جامعهٔ ما را تهدید می‌کند. ثانیاً، اگر جامعهٔ ادبی ما به تولید نظریه می‌اندیشد و در جستجوی راه‌های عملی شدن آن است، می‌تواند ـ و به گمان نگارنده باید ـ از همین پیش‌زمینه‌های فکری موجود در جهت سوخت‌رسانی به موتور مولد نظریه ـ که چیزی جز تفکر انتقادی نیست ـ بهره جوید

وسعت دادن به جهان واژه ها در یک قطعه شعر

منصور خورشیدی

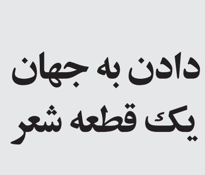

وسعت دادن به جهان واژه ها سهمی است که شاعر در آفرینش و خلق شعر از خود به جای می گذارد . چون فاصله ی بین واقعیت مشهود و ماورای آن را به خوبی درک کرده است .و به درک هماهنگی زمان و مکان ، حرکت و سرعت ، طنین و هماهنگی حروف رسیده است. حتی به معانی تازه تر برای کلماتی که حامل معنا نیستند. موج نو ، شعر سپید ، موج سوم و شعر حجم . نمونه های بارزی هستند که منتقد را به شناخت ساختار زبان، فرم، نوع بیان و درک آهنگ کلمه، موسیقی و ریتم درونی قطعه می رساند. تا شباهت ها و تفاوت های آن ها را مورد بر رسی قرار دهد. شاعر حرفه ای کسی است که قلمرو کلمه و رابطه آن را با زبان بشناسد. تا راهی به درون شعر باز کند. و در گذر از سطح و با استفاده از ابعاد سه گانه زمینه را برای پرش های ذهنی آماده کند. تظاهری یگانه بی آن که به غرض و هدفی آلوده شود. چون شعر زمانی وسعت و بیکرانگی خود را از دست می دهد که ارجاعی به بیرون از خود داشته باشد. پرداختن به ساختمان درونی قطعه و معماری دادن به مصراع و تصویر ها در قلمرو فرم به نوع نگاه شاعر جسارت می آموزد .و زبان را وسیله ی رسیدن به بُعد سوم حرف می کند. ارزش نمادین هر پدیده ای در جایگاه خود از یک مفهوم نسبی بهرمند است . که نمودی از نیاز های شاعر محسوب می شود . و در باز نگری تفکر شاعر روی پدیده ها اثر مستقیم دارد. زیرا فضای داخلی همه ی معماری ها باز تاب جهان بینی شاعر است. و شاعر با انتخاب آگاهانه ی لغت در چنین فضائی خواننده را دچار حیرت می کند. و این اتفاق در فضائی می افتد. که شاعر مجهز به دانسته های زبان شناسی باشد. خلق ترکیب های کلامی در آفرینش شعر اثر بیشتری در ذهن مخاطب دارد. هماهنگی و تناسب واژگان در مصراع، ارتباط کلامی را محکم. وحرکت شعر را بیشتر می کند. و جستجوی شاعر را در رسیدن به معانی دلخواه سرعت می بخشد. سرعت خیال در توالی تصویر ها با کارکرد هجا، واژه و جای آن در مصراع، عمده ترین وجه شکل گیری شعر در جایگاه مناسب محسوب می شود . استقرار اشیا در روابط بیرونی موجب می شود که تعاملی بین آن ها ایجاد گردد . شاعری که با مکانیزم ذهنی آشنا است. عرصه را برای باز آفرینی تصویر ها و خلق فضا ها به ویژه معماری کلام در ساختمان قطعه و ترکیب های خیال انگیز آماده می سازد. تاویل متن به زبان و جهان شاعر معنا می دهد. در این جا قدرت تصویر در شعر قلمرو متن را اداره می کند. کار شاعر روائی دیدن تصویر نیست . ایجاد فاصله های ذهنی در قدرت متن است. سرعت در شکار لحظه ها است. در یافت تازه در بافت کلام ، از نگاه به ذهن و از ذهن به زبان، به اعتبار همین دیدگاه هرشاعری می تواند در بیان مفاهیم و مضمون های جدید موفق عمل کند. و آگاهانه زمینه را برای تدارک نوعی از نگاه برای قرائت جدید از شعر فراهم سازد.

بلورانگشتر
سکوت انگشت را
به قانون رود می دهد
تا ادامه ی شفاف دشت
عطر نخستین عشق را
در هوا منتشر کند
تا شکوه سیب
از بوی عطر تو
بالامی رود
نیمروزوقت
همزاد خفته اَت را
در پلک های بسته
بیدار می کند
تصویر کدام صورت
در هوای آینه پرت می شود
که آینه شکل شعاع درهم
در شیب سنگ می نشیند

شعری از مهتاب تقی گیل

کسی که می پرستمش
شاید
منفورترین آدم زندگی تو باشد
و لحظه ای که در ان خوشحالم
لحظه ی ناراحتی تو
آسمان
تنها برای تو آسمان است
و باران
پیراهنی تنگ و عذاب آور بر تنت
امروز،چشم هایم
در انتظار باد مانده

و هر انگشتم
شاخه ای جدا شده از درخت
کوله ام را باز می کنم
پرنده
گوشه ای از آسمان را می گیرد
ماهی
گوشه ای از دریا
رودخانه را پهن کرده
ابر ها را
روی خودم تنظیم می کنم
و پاهایم را
چون هندوانه ای به آب می اندازم
باران
بوی خاک را بلند می کند
و من پُر می شوم ازبوی خاکی
که تو را به سرفه انداخته است.

شعر

شعری از سیدحامداحمدی

«اصالت وجود»
‹اظهار وجود از عدم نموده›
چیزی نبوَد جز نبوده بوده!
یادی‌ست که رفته ز یاد نسیان
بیتی‌ست بنا گشته بر سروده
رنگی شده در جلد شکل پنهان
وز سر کله نیستی ربوده
شکلی شده زیر لحافی از رنگ
بر بالش ناز عدم غنوده
رنگی که قسم میخورد که هستم!
شکلی که نشان میدهد چو توده!
انگشت‌نما شده به بی‌وجودی
دکان وجود آنکه وانموده!
کی ‹بوده› کشد ناز صوت و تصویر؟
کی ‹بوده› شود دیده یا شنوده؟
آراستگی ترجمان فقر است
کز کاستگی میشود فزوده!
تا کی شوم از شکل و رنگ عریان؟
از یاد عدم تا شوم زدوده؛
زخمی به جگر درفشرده دندان
اما دهن خویش نانموده!
چشمی دو دهان بسته از چریدن!
گوشی دو به حیرت دهن گشوده!

شعری از مارال افشاری

به هرجا بخورم
ترک بر می دارم
مثل این تصویر
که عکس های زیادی را
از خود جدا کرده
و لبخند هایش
کافی نیست
کسی را
که مطمئن است قهوه دوست ندارد
تنهلی
به چای دارچین دعوت کرده
و حال و هوایش
در مسیر تصویر های اطراف
به خش خش تبدیل شده
ما به دونفر نرسیدیم
به دو تا به دنیا آمدن
برای انهدام دست های خالی در جیب خودمان
فقط برای اینکه بیشتر حواسمان به پاییز باشد
هم
نرسیلیم
فکر می کنم
لیاقت‌نداشتیم
دو نفر همیشه گم شدند
و چند نفر را تشکیل دادند
که تمام تصویرهای قبلی را فراموش کنند
زل می زنم به سقف
که‌تنهاست
از تنهایی بدش نمی آید
وراج نیست
و خوشبخت تر از آن است
که به موضوع خاصی اشاره کند
که به دوتا شدن
با دیوار های بغلش
فکر کند

شعری از ماریاسلمانی

قرعه به نام این دل بیمار می افتد
قلبم به دست تو فقط از کار می افتد
پلکم اگر افتاد چشمان غزلخوانم
سنگینی اش بر پیکر دیوار می افتد
هر بار با فکر و خیالت زندگی کردم
فهمیدم آخر قصه از تکرار می افتد
برق نگاهت اتفاق بی نظیری بود
افسوس که تنها فقط یکبار می افتد
تصویر قرص ماه که در آب افتاده
از آسمان چشم تو انگار می افتد
شاید رَعیَت بودم و قابل نمی دیدی
یک روز قحطی هم در این دربار می افتد
یک روز هم بی آنکه حتی منتظر باشم
چشمم به تو در گوشه ی بازار می افتد

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶